

تأثیر معماری ایرانی در بناهای دوره بهمنیان در جنوب هند* (۹۳۴-۷۴۸)

** محسن معصومی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۱۰/۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۲/۲

چکیده:

بهمنیان نخستین حکومت مستقل مسلمان در جنوب هند بودند که در قرون ۸، ۹ و ۱۰ هجری بر این منطقه حکومت کردند. بنیان گذار این خاندان اصل ونسبی ایرانی داشت و به همین دلیل وی و جانشینانش توجه فراوانی به فرهنگ و تمدن ایرانی و به کارگیری ایرانیان در مناصب مختلف سیاسی و اجتماعی از قبیل وزارت و صدارت نشان دادند. در این دوره بسیاری از دانشمندان و معماران و صنعت گران ایرانی به دکن مهاجرت کردند و باعث رونق فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه در زمینه هنر و معماری در این سرزمین گردیدند. بناهای ساخته شده در دوره بهمنیان اغلب به دست معماران ایرانی و تحت تأثیر سبک معماری رایج در ایران به ویژه در دوره تیموریان بود. برخی از بناهای موجود در بیدر چون مدرسه گاوان تقلید کاملی از مدارس چهار ایوانه ایرانی است. این مقاله به بررسی تأثیر معماری ایرانی در برخی از بناهای این دوره پرداخته است.

واژه های کلیدی:

بهمنیان، دکن، معماری، بیدر، گُلبرگه.

* این مقاله از رساله دکترا با عنوان " بررسی فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی دکن در دوره بهمنیان" استخراج شده است.
** استادیار گروه آموزشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه زنجان. E-mail: moh-massumi@yahoo.com

مقدمه

انبوهی از دانشمندان، شعرا، ادبا، صوفیان و نیز معماران و هنرمندان ایرانی به دعوت سلاطین بهمنی و یا از جانب خویش و به قصد برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی این پادشاهان راهی دکن گردیده و باعث انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه در زمینه معماری و هنر به این منطقه از جهان اسلام شوند.

احمد اول (حک: ۸۲۵-۸۲۸ق) نهمین سلطان بهمنیان بیش از دیگر پادشاهان این خاندان به ایرانیان و فرهنگ ایرانی توجه داشت. اقدامات وی از قبیل انتقال پایتخت از گلبرگه به بیدر، پذیرش مذهب تشیع به عنوان مذهب متبوع خویش، دعوت از شاه نعمت‌الله ولی برای سفر به دکن و بر کشیدن فراوان ایرانیان و انتصاب آنان به مناصب مهم، باعث رونق بیش از پیش فرهنگ ایرانی در پایتخت جدید و مهاجرت گروه بیشتری از ایرانیان به این شهر شد. به طوری که حکومت بهمنیان را به دلیل اقدامات وی می‌توان به دو دوره مجزای گلبرگه و بیدر تقسیم کرد که هر یک دارای ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخصوص خویش است.

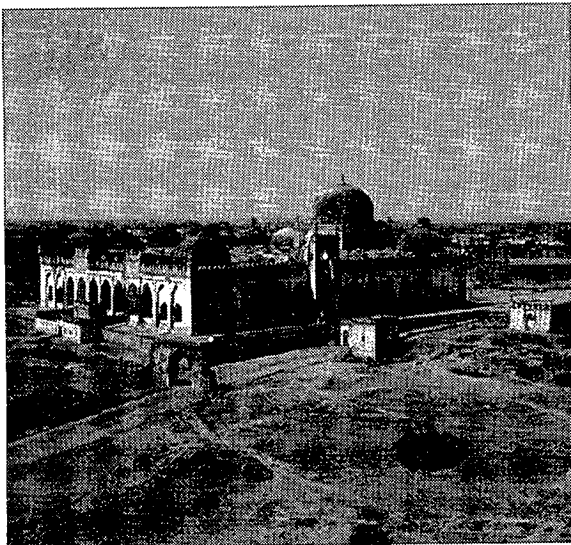
حکومت بهمنیان اولین حکومت مستقل مسلمان بود که در ۷۴۸ق در جنوب هند شکل گرفت. از این تاریخ تا سال ۹۳۴ق هیچ‌ده تن از پادشاهان بهمنی در دکن حکومت کردند. اولین این سلاطین حسن کانگو (حک: ۷۴۸-۷۶۰ق) و آخرین آنان سلطان کلیم‌الله (حک: ۹۳۲-۹۳۴ق) بود. از این ۱۸ تن، هشت نفر در شهر گلبرگه (از ۷۴۸ تا حدود ۸۲۵ق) و ده نفر دیگر در بیدر (از ۸۲۵ تا ۹۳۴ق) به حکومت پرداختند. بنیان‌گذار این خاندان دارای اصل و نسبی ایرانی بود و خود را به بهمن اسفندیار پادشاه افسانه‌ای ایران منسوب می‌کرد. فرزندان و جانشینان وی نیز به ایرانی بودن خویش می‌بالیدند و در اغلب سکه‌ها و فرامین، خویشان را ایرانی و به دلیل انتساب به بهمن، بهمنی می‌خواندند (نک، عصامی، ۱۹۴۸، ۵۲۱؛ گاو، ۱۹۴۸، نامه ۵۱؛ هروی، ۱۹۱۱، ۲/۳؛ رازی، ۱۹۹۵، ۵۵/۱). به همین دلیل بهمنیان از آغاز حکومت خویش توجه فراوانی به ایرانیان و به کارگیری آنان در مناصب مهم سیاسی و اجتماعی داشتند. این امر باعث شد که در این دوره

سبک معماری بهمنیان

نفوذ سبک تغلقی کاسته شد و جای آن را تأثیر سبک ایرانی گرفت، به طوری که در بناهای ساخته شده در سال‌های پایانی حکومت بهمنیان در گلبرگه همچون مقبره فیروزشاه (حک: ۸۰۰-۸۲۵ق) آخرین سلطان بهمنی در گلبرگه، کاهش نفوذ سبک تغلقی و افزایش تأثیر معماران ایرانی به خوبی آشکار است (نک: ادامه مقاله). به علاوه معماران و هنرمندان ایرانی که توسط محمد تغلق از دهلی به دولت آباد آورده شده بودند، خود و یا فرزندان‌شان در ایجاد بناهای گلبرگه نقش مهمی بر عهده داشتند و طبعاً سبک معماری ایرانی توسط آنان وارد دکن گردیده بود. تغییر پایتخت باعث شد که تأثیرات سبک تغلقی بسیار ضعیف و کم‌رنگ شود و جای خود را به سبکی در معماری دهد که از ایران وارد این سرزمین گردید. احمد اول که قصد داشت پایتخت خویش را از هر نظر با گلبرگه متفاوت سازد به طور گسترده، معماران و صنعتگران ایرانی را برای ایجاد بناهای پایتخت جدید به کار گرفت. این معماران نیز بیش از هر چیز توجه خود را معطوف به ایجاد بناها به همان سبک و سیاقی که در سرزمین اصلی و بومی خویش دیده بودند،

در کنار تفاوت‌هایی که از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر یک از دو پایتخت بهمنیان وجود داشت، در سبک و شیوه معماری به کار گرفته شده در بناهای این دو شهر نیز تفاوت‌های اساسی دیده می‌شود. هر چند که شیوه معماری در این دو شهر در برخی ویژگی‌ها از قبیل ساختار کلی بناها، استفاده از گنبد‌های حجیم، استفاده فراوان از گلدسته، عدم به کارگیری مناره و برخی تزیینات سنگی و گچی با یکدیگر مشترک است، لیکن در بسیاری از ویژگی‌های دیگر تفاوت‌های مهمی میان شیوه معماری در این دو شهر وجود دارد. به طور کلی بناهای گلبرگه عمدتاً تحت تأثیر و نفوذ سبک معماری رایج در دوره سلاطین مملوک و تغلقیان قرار داشت. سادگی بناها، گنبد‌های کوتاه و پهن، طاق‌های عریض با پایه‌های کوتاه، مقابر چهار گوش و تزیینات ساده گچی و سنگی برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک است. با این حال این بناها از تأثیر سبک معماری ایرانی نیز به طور کامل خالی نیستند، چرا که با دور شدن از سال‌های نخست تأسیس حکومتی بهمنیان و ورود اقوام و ملت‌های دیگر به ویژه ایرانیان به دکن، به تدریج از تأثیر و

ساخته شده، جامع گلبرگه است. بر اساس کتیبه موجود در مسجد، این بنا در دوره محمد اول (حک: ۷۶۰-۷۷۷ق) و در سال ۷۶۹ق ساخته شده است. ویژگی‌ها و عناصر به کار گرفته شده در این مسجد از قبیل شکل گنبدها، طاق‌ها و تزیینات، معماری دکن را تا پایان دوره بهمنیان و حتی پس از آن به شدت تحت تأثیر قرار داد. معمار بنا در کتیبه‌ای خود را رفیع بن شمس بن منصور قزوینی نامیده است. ظاهراً اجداد وی از معماران برجسته ایرانی بودند و وی با ذکر نسب خویش قصد القای این معنی را داشته است. این مسجد از طرفی تحت تأثیر مساجد سبک اموی و عربی که در ایران و سایر کشورهای اسلامی رایج بود و از طرف دیگر تحت تأثیر معماری کلیساهای غربی قرار دارد. برخی ویژگی‌های معماری این کلیساهای از طریق بناهای مذهبی مسلمانان در شرق اروپا و توسط بازرگانان و افرادی که به صورت برده از این مناطق آمده بودند، وارد دکن گردید (Brown, 1968, 68). به علاوه معمار یا معماران این بنا، با جرأت و جسارت فوق العاده دست به برخی نوآوری‌ها در ساخت این مسجد زدند که آن را با همه مساجد ساخته شده در ایران و نیز شمال هند متفاوت کرده است. هالیستر این مسجد را به دلیل سبک بی‌مانند و آرامش و شکوهی که در ساخت آن به کار رفته در زمره بزرگترین مساجد جهان بر شمرده است (Hollister, 1979, 106). ابعاد مسجد از شرق به غرب ۷۴/۳ متر و از شمال به جنوب ۵۳/۶ متر و مساحت آن در کل ۳۹۸۲/۴۸ متر مربع است. شبستان مسجد به پهنای حدود ۱۴ متر در سمت غرب قرار دارد و سه طرف دیگر را رواق‌هایی در برگرفته است. ورودی اصلی بنا در میانه دیوار جنوبی آن قرار دارد. ویژگی منحصر به فرد جامع گلبرگه آن است که علی‌رغم همه مساجد ساخته شده در جهان اسلام که دارای صحن روباز هستند، صحن این مسجد به وسیله ۶۳ گنبد کوچک پوشانیده شده است (تصویر ۱). با این حال شبستان و صحن و رواق‌های



۱- جامع گلبرگه از جانب شمال شرقی

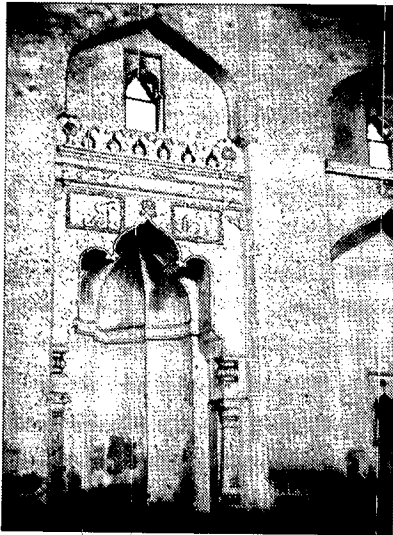
کردند و گاه به جای این که سنت‌های محلی و بومی خویش را در سبک معماری رایج در دکن تلفیق نمایند، به ایجاد بناها به همان شیوه‌ای که در ایران وجود داشت، دست زدند، به طوری که پنداری برخی از این بناها چه در طرح و چه در ساختار به طور کلی و یکجا از ایران به این سرزمین آورده شده‌اند (ادامه مقاله). به طور مثال مدرسه‌ای که در بیدر توسط محمود گاوان ساخته شد به اندازه‌ای شبیه مدارس چهار ایوانه سبک تیموری در سمرقند و دیگر شهرها است که گویی مستقیماً و بدون هیچ تغییری از این شهرها به دکن منتقل شده است. به همین دلیل هنر و معماری دکن را در دوره بهمنیان به‌ویژه در بیدر باید جزئی از هنر و معماری ایرانی دانست (Sherwani, 1985, 365, 1981, 10; Brown, 1968, 57-66; Schotten, 1985). استفاده از کاشی‌های منقوش، طرح‌های تزیینی به صورت هندسی و نیز گل و بته با رنگ‌آمیزی‌های بسیار زیبا، استفاده از اشعار فارسی با خطوط نسخ و ثلث و طغرا در تزیین بناها، گنبد‌های پیازی شکل، طاق‌های شکسته و جناغی و گاه استفاده از شیر و خورشید در تزیین بناها برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک معماری در بیدر است که همگی تحت تأثیر سبک معماری ایرانی به وجود آمده است. سبک شکل گرفته توسط معماران ایرانی و برخی دیگر از همکاران آنان را در بیدر در واقع باید سبک ایرانی-دکنی نامید (Sherwani, 1985, 366-368).

مهم‌ترین بناهای باقی مانده از دوره بهمنیان

بناهای ساخته شده در این دوره را در بیدر و گلبرگه می‌توان به طور کلی به بناهای نظامی و غیر نظامی تقسیم کرد. در ساخت قلعه‌های نظامی اثر چندانی از سبک معماری ایرانی دیده نمی‌شود و این دسته از بناها از قبیل قلعه گلبرگه و بیدر اغلب تحت تأثیر شیوه ساخت این نوع بناها در اروپا قرار دارد که از طریق فرنگیانی که در میان سپاهیان بهمنی وجود داشتند و از طرق گوناگون و به اهداف مختلف به این سرزمین آمده بودند، وارد دکن گردیده است. بناهای غیر نظامی را می‌توان به مساجد، مقابر، کاخ‌ها و مدارس تقسیم کرد. بسیاری از این بناها امروزه در گلبرگه، بیدر و برخی دیگر از شهرهای دکن باقی است و با مطالعه آنها می‌توان به تأثیر فزاینده هنر و معماری ایرانی در ساخت این بناها پی برد. شمار فراوانی از این بناها کار معماران و هنرمندان ایرانی است که اسامی آنان در کتیبه‌های موجود در جای جای این آثار نقش بسته است. برای آشنایی بیشتر با سبک معماری رایج در دکن و نشان دادن سهم ایرانیان در ایجاد این آثار با شکوه، در این مقاله به معرفی و توصیف برخی از مهم‌ترین این بناها در گلبرگه و بیدر پرداخته خواهد شد.

۱- جامع گلبرگه: یکی از بزرگ‌ترین و شگفت‌انگیزترین

بناهای به جای مانده از دوره بهمنیان که به دست معماران ایرانی



۲- محراب جامع گلبرگه

۲- مقبره فیروز شاه: مقبره همه پادشاهان بهمنی امروزه

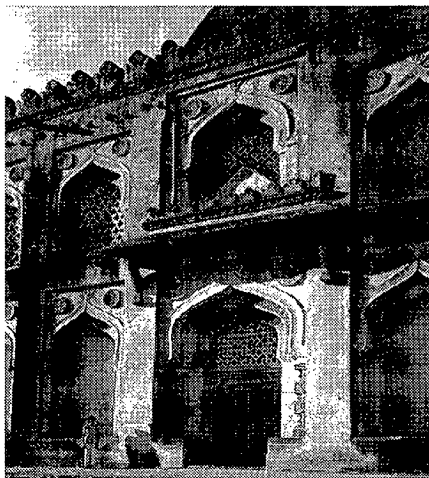
در گلبرگه و بیدر باقی مانده است. این مقابر در ویژگی‌های کلی بسیار شبیه یکدیگرند و اختلاف آنان عمدتاً در جزئیات و برخی تزیینات یا ابعاد و کوچکی و بزرگی بناها است. طرح مربع شکل (شبیه چهار طاقی)، گنبد های کوتاه و پهن و گلدسته‌های موجود در چهار گوشه بناها، از ویژگی‌های اصلی این مقابر است. زیباترین و باشکوه‌ترین مقبره موجود در گلبرگه، مقبره فیروز شاه آخرین سلطان بهمنیان در این شهر است. فیروز شاه یکی از تواناترین و عالم‌ترین سلاطین بهمنی بود که دربار وی مورد توجه بسیاری از دانشمندان و معماران و صنعت‌گران از سرزمین‌های مختلف به‌ویژه ایران قرار داشت. مقبره وی به روشنی نشانگر تأثیر فزاینده ایرانیان در معماری این دوره، و نیز شکوه و عظمت این سلطان است. اندازه بنا از بیرون 48×24 متر و ارتفاع آن به همراه دیوارهای تزیینی پشت بام حدود ۱۴ متر است. این مقبره، از دو بنای مربع شکل، ترکیب شده است که یکی در برگرفته قبر سلطان و دیگری قبر اعضای خانواده وی است. دو گنبد عظیم با ارتفاع بیش از ده متر بر فراز هر دو قسمت بنا واقع شده است. مقبره در واقع یک طبقه است اما به دلیل وجود طاق‌های دو طبقه، از بیرون به صورت بنایی دو طبقه به نظر می‌رسد. طاق‌های بیرونی بنا به سبک طاق‌های ایرانی دارای پایه‌های بلند و دهانه کم و قوس‌های شکسته (نوکتین) است. در طاق‌های فوقانی پنجره‌های مشبکی از سنگ تعبیه گردیده که علاوه بر تأمین نور و هوا بر زیبایی بنا نیز می‌افزاید. چهار گوشه بنا دارای چهار گلدسته شیاردار با قبه‌های کوچک بر فراز هر یک است. رخبام‌ها و نیز ستون‌هایی که در پایه‌های طاق‌ها قرار گرفته با گچ و با نقش مایه‌های گل و بته تزیین گردیده است (تصویر ۵). بسیاری از ویژگی‌های این بنا برای اولین بار در معماری دکن به کار گرفته شد. معماری این مقبره در واقع ترکیبی از سه سبک ایرانی، تغلقی و بومی است و تأثیرات هر یک از این

مسجد از طریق تفاوت در شکل طاق‌ها و ستون‌هایی که گنبدها را نگه داشته‌اند، به خوبی قابل تشخیص است. در واقع جامع گلبرگه تنها مسجد در جهان اسلام است که فاقد صحن روباز است و صحن آن را با گنبد های مختلف مسقف کرده‌اند. در چهار گوشه مسجد چهار گنبد بزرگ و در روی شبستان نیز گنبدی بزرگ‌تر از بقیه واقع شده است.

فقدان صحن روباز باعث شده محققان درباره منشأ به وجود آمدن این مسجد و نیز کارکردهای آن در دوره بهمنیان نظریات متفاوتی بیان دارند. به نظر می‌رسد معمار جامع گلبرگه در کنار استفاده از سبک رایج در مساجد عربی و ایرانی به برخی ابتکارات و نوآوری‌ها از قبیل ایجاد صحن سرپوشیده دست زده است (Yazdani, 1928, 14-17; Haig, 1985, 383). این مسجد در قلعه گلبرگه واقع شده و هر چند امروزه بنایی پیرامون آن نیست لیکن به احتمال قوی گرداگرد آن بناهای اداری مختلفی وجود داشته است.

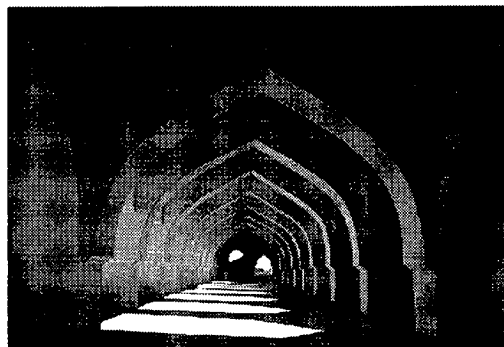
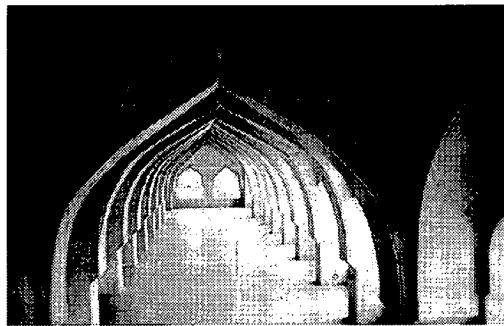
با توجه به وسعت مسجد، نور آن از طریق پنجره‌هایی که در دیوارهای اطراف به جز جانب غربی ایجاد شده است، تعبیه می‌شود. این مسجد گنجایش حدود پنج هزار نفر را دارا است. تجمع این تعداد از مردم در این مسجد با توجه به آب و هوای بسیار گرم گلبرگه، باعث بروز مشکلات فراوانی می‌شده به طوری که شاید یکی از دلایل ادامه نیافتن این سبک معماری در دکن، همین مشکل گرما و عدم وجود هوای آزاد بوده (Yazdani, 1928, 18). به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل ادامه نیافتن این سبک مسجدسازی در دکن ناسازگاری و عدم تناسب معماری این مسجد با سنت مسجد سازی در جهان اسلام باشد که طی هفت قرن در همه سرزمین‌های اسلامی مرسوم و رایج گردیده بود.

در مسجد جامع گلبرگه دو شکل متفاوت از طاق‌های رایج در معماری مساجد در ایران به کار رفته است و در کنار طاق‌های بلند با دهانه باریک و قوس‌های شکسته، طاق‌های کوتاه با دهانه عریض نیز دیده می‌شود. برخی از این طاق‌ها دارای قوس شکسته و تعدادی دیگر دارای قوس نعل اسبی است (تصویر ۳ و ۴). استفاده از گنبد های کوتاه رایج در گلبرگه در کنار گنبد های بلند و حجیم رایج در بیدر از دیگر ویژگی‌های این مسجد است. این مسجد دارای تزیینات ساده گچی در برخی قسمت‌های درونی از قبیل محراب و ستون‌ها و سرستون‌ها است (تصویر ۲). در گرداگرد شبستان و نیز در زیر بزرگ‌ترین گنبد مسجد که بر روی شبستان قرار گرفته است، کتیبه‌هایی به زبان فارسی و عربی نقش بسته که حاوی نام الله، محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) است. در برخی دیگر از کتیبه‌های مسجد نام ابوبکر و عمر و عثمان در کنار نام علی (ع) آورده شده است. طاق‌ها، گنبد ها و برخی دیگر از ویژگی‌های معماری این مسجد علاوه بر مساجد و مقابری که پس از این در دوره بهمنیان ساخته شد، در برخی از مساجد دهلی نیز تأثیر گذاشت.



۵- ورودی جنوبی مقبره فیروز شاه گلبرگه

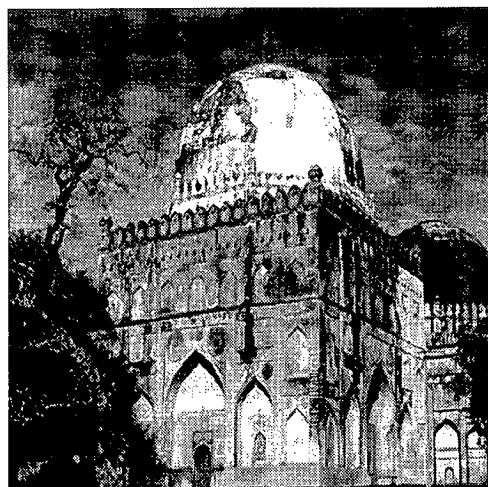
ساخته شده که زبیرون، سه طبقه به نظر می‌رسد. ایجاد بنایی سه طبقه به وسیله طاق‌های بیرونی برای نخستین بار در دکن، در این بنا صورت گرفت. هر چند طاق‌های زیرین به‌ویژه در ورودی‌ها بسیار بزرگ‌تر از طاق‌های فوقانی است، لیکن این طاق‌ها به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که در کل ترکیبی زیبا به بنا داده است. این طاق‌ها دارای قوس‌های شکسته (جناغی) است. گنبد عظیم این بنا به صورت سه چهارم یک دایره و بر پایه‌ای هشت ضلعی واقع است. قطر این هشت ضلعی حدود ۶۵ متر است و اطراف آن با دیوارهای قوسی شکل و نیز چهار گلدسته کوچک تزیین گردیده است. اطراف پشت بام بنا نیز دیوارهای قوسی شکل زیبایی تعبیه شده و چهار گلدسته کوچک با قبه‌ای بر فراز هر یک، در چهار گوشه بنا واقع است. گنبد بر فراز یک سالن مربع شکل واقع شده و در هر طرف این سالن یک طاق زیبا با قوس نوک تیز قرار دارد (تصویر ۶). مهم‌ترین ویژگی مقبره احمد اول که آن را بر سایر بناهای این دوره برتری می‌دهد، تزیینات زیبای آن است.



۲- طاق‌های کوتاه و عریض جامع گلبرگه



۴- طاق‌های بلند و کم عرض جامع گلبرگه



۶- مقبره احمد اول بیدر

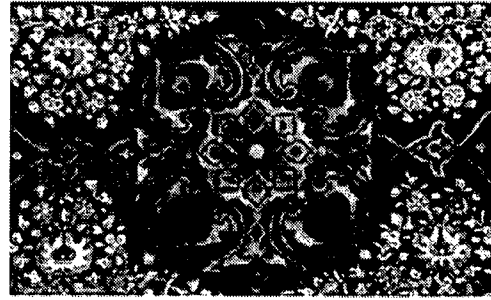
سبک‌ها در قسمت‌های مختلف بنا دیده می‌شود، هرچند تفوق سبک ایرانی در همه جای بنا به روشنی قابل تشخیص است (Brown, 1968, 148; Sherwani, 1985, 103).

۳- مقبره احمد اول: اولین مقبره ساخته شده در بیدر متعلق به احمد اول یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان بهمنی است. وی به ایرانیان توجه ویژه‌ای داشت و دربار او ملجأ و مأوی بسیاری از دانشمندان و معماران و هنرمندان ایرانی بود. به علاوه وی معتقد به مذهب تشیع و نیز طرفدار شدید افکار صوفیانه بود. همه این تمایلات و گرایش‌های احمد اول در مقبره وی به روشنی ظهور و بروز یافته است. این مقبره به صورت مربع در ابعاد ۲۳/۴۸ متر و ارتفاع ۱۷/۲۷ متر ساخته شده است. این بنا یک طبقه است اما توسط سه ردیف طاق به گونه‌ای

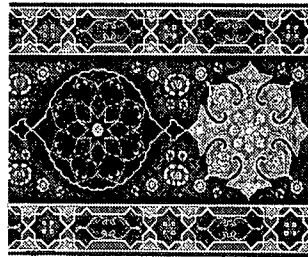
گچبری‌های بسیار زیبا و استثنایی در قوس درها و پنجره‌های این بنا در نوع خود، در معماری دکن بی‌مانند و منحصر به فرد است (Schotten, 1981, 113). براساس کتیبه‌های موجود، نقاشی‌های این بنا توسط فردی به نام شکرالله قزوینی نقاش صورت گرفته که در ایرانی بودن وی شکی نیست. کاشی‌کاری‌های زیبا و نقاشی‌هایی که به صورت گل و بته و نیز طرح‌های هندسی با رنگ‌آمیزی‌های بسیار جالب در این بنا مشاهده می‌شود، اولین نمونه از این نوع تزیینات در دکن و نشان دهنده تأثیر فزاینده ایرانیان در شئون مختلف زندگی اجتماعی به‌ویژه در هنر و معماری است (تصاویر ۷ و ۸ و ۹). به‌علاوه کتیبه‌های زیبایی به خط نسخ، ثلث، کوفی و طغرا و به زبان عربی و فارسی در گرداگرد مقبره توسط خوشنویسی به نام مغیث شیرازی ایجاد گردیده که نشانگر رواج هنر خوشنویسی در این دوره است (تصاویر ۱۰ و ۱۱). به‌طوری که این خطوط را باید شاهکار هنر خوشنویسی در هند دوره میانه به حساب آورد. این کتیبه‌ها حاوی اشعار فراوانی از نعمت‌الله ولی، اسامی علی (ع) و امامان شیعه و نیز برخی آیات و روایات است که همگی نشان دهنده اعتقاد سلطان به تشیع و نیز گرایش‌های صوفیانه وی است. تزیینات بیرونی بنا بسیار شبیه مقبر تیمور در سمرقند است و به‌طور کلی تأثیر سبک ایران و ماوراءالنهر در همه جای بنا به خوبی نمایان است. (Devare, 1961, 59) مقبره احمد اول، همه مقابر بهمنیان را پس از خود به مدت ۷۵ سال تحت تأثیر قرار داد. به طوری که تفاوت مقابری که پس از آن توسط این پادشاهان ساخته شد، با این مقبره تنها در برخی جزئیات و تزیینات است و از نظر کلی همگی آن مقابر تحت تأثیر این بنای زیبا و باشکوه قرار دارند.

۴- مدرسه محمود گاوان گیلانی: بزرگ‌ترین و

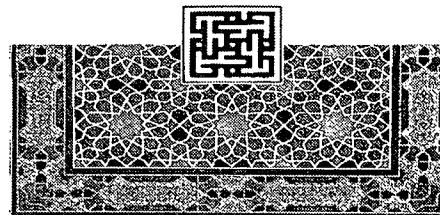
باشکوه‌ترین بنای به‌جای مانده از این دوره، مدرسه‌ای است که توسط محمود گاوان وزیر دانشمند و کاردار ایرانی بنا گردید. گاوان حدود ۳۰ سال در دوره حکومت سه تن از پادشاهان بهمنی یعنی همایون (حک: ۸۶۲-۸۶۵ ق) احمد سوم (حک: ۸۶۵-۸۶۷ ق) و محمد سوم (حک: ۸۶۷-۸۸۷ ق) زمام حل و عقد همه امور را در دست داشت. ملا سامعی یکی از شعرای معاصر محمود در شعری که به مناسبت اتمام بنای مدرسه سرود تاریخ بنای آن را "ربنا تقبل منا" یعنی ۸۷۶ ق دانسته است. همه مورخان دکن و نیز محققان جدید شکوه و عظمت این مدرسه را که قسمت‌های مهمی از آن امروزه باقی است، ستوده‌اند. محمود گاوان در طول اقامت خویش در دکن با دانشمندان بزرگ و مدارس معروف عصر خویش در ایران ارتباط فراوان داشت. به‌علاوه وی به سرزمین‌های مختلف سفر کرده بود و با سبک و شیوه بنای مدارس مهم در آن عصر آشنایی کامل داشت. وی پس از رسیدن به منصب وزارت مهندسان و معماران و صنعت‌گران فراوانی را از ایران و سایر سرزمین‌ها به دکن فراخواند. او تصمیم داشت مدرسه‌ای در بیدر بنا کند که از نظر محتوای آموزشی و نیز سبک معماری شبیه مدارس موجود در دیگر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه



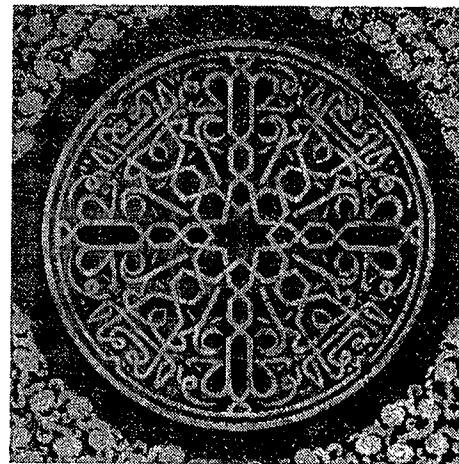
۷- تزیینات دیوار مقبره احمد اول



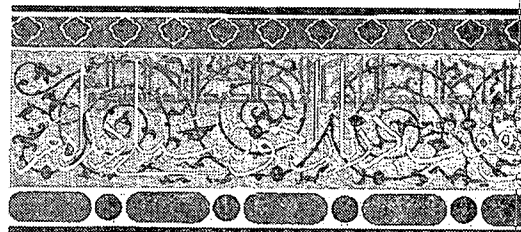
۸- تزیینات سردر ورودی شرقی مقبره احمد اول



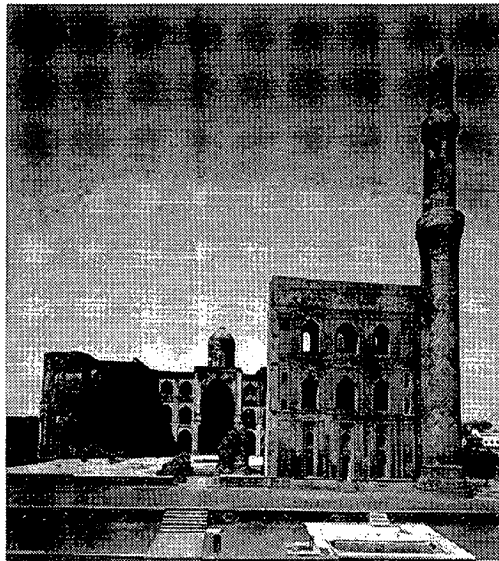
۹- تزیینات دیوار جنوبی مقبره احمد اول



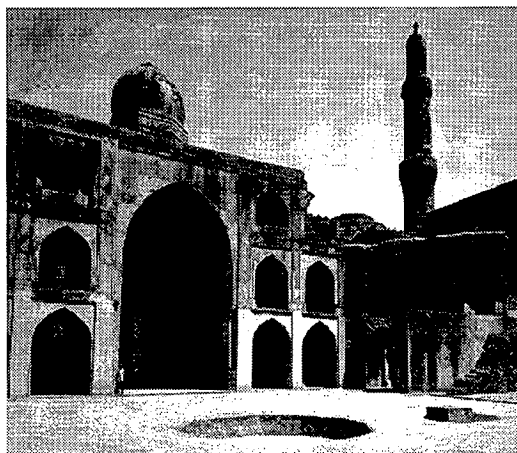
۱۰- تزیینات سردر جنوبی مقبره احمد



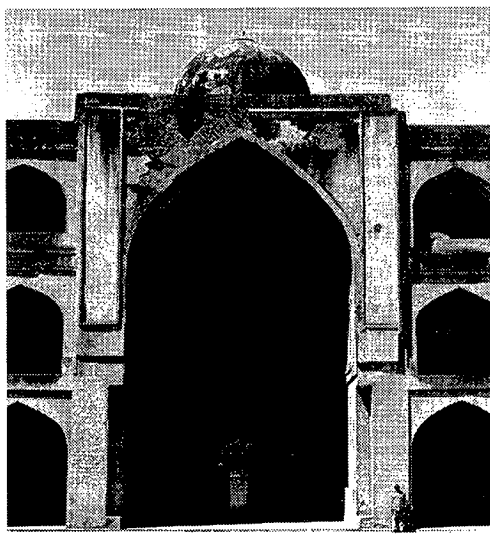
۱۱- دیوار شرقی مقبره احمد اول



۱۲ - مدرسه گاوان، بیدر، نمای شرقی



۱۳ - مدرسه گاوان، بیدر، از جانب شمال غربی صحن



۱۴ - مدرسه گاوان، بیدر، ایوان و اتاقهای سه طبقه

ایران و ماوراءالنهر باشد. به همین دلیل مدرسه‌ای به سبک بناهای چهار ایوانه در بیدر ایجاد کرد که اولین و آخرین بنای چهار ایوانه در طول تاریخ معماری دکن به حساب می‌آید. شیوه معماری و طرح این مدرسه بسیار شبیه به مدرسه‌ای است که ۲۸ سال قبل از آن در خرگرد به دستور ابوالمظفر پسر شاهرخ میرزا ساخته شد. به علاوه این مدرسه شباهت فراوانی به مدرسه معروف الخ بیگ در سمرقند دارد و به احتمال قوی محمودگوان با این مدارس در ارتباط بوده و افرادی را از آنجا برای بنای مدرسه خویش دعوت کرده است. این مدرسه - مسجد به سبک مدارس چهار ایوانه و در سه طبقه بنا گردیده و ابعاد آن ۶۰×۶۸ متر و ارتفاع آن ۵۸ متر است. مدرسه در سطحی بالاتر از زمین بنا گردیده و دسترسی به آن از طریق چند ردیف پله ممکن است. ایوان شرقی مدرسه و مسجد مجاور آن امروز ویران شده است اما ایوان‌های دیگر و ورودی زیبا و با شکوه آن باقی است. مدرسه دارای حیاطی بوده که پیرامون آن اطاق‌های فراوانی برای اسکان دانشجویان وجود داشته است. در دو طرف ورودی اصلی بنا دو مناره بسیار عظیم واقع بوده که یکی از آنها باقی است و به همراه دیوارهای متصل به آن سالم‌ترین قسمت بنا را تشکیل می‌دهد. این مناره حدود ۹۰ متر ارتفاع دارد و بر پایه‌ای هشت ضلعی واقع است. شکل آن به صورت استوانه است و از پایین به بالا به تدریج از ضخامت آن کاسته می‌شود. مناره دارای سه طبقه است، در طبقه‌های اول و دوم دو بالکن تعبیه گردیده است. این بالکن‌ها برخلاف بالکن‌هایی که در معابد هندوان در این دوره ساخته می‌شد دیوارکوب ندارد و به سبک ایرانی بنا گردیده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳ و ۱۴). پله‌هایی به صورت مارپیچ در درون مناره تعبیه شده که دسترسی به طبقات فوقانی را ممکن می‌سازد. قسمت پایین مناره با کاشی‌های منقوش ایرانی بسیار زیبا تزیین شده است. به علاوه کتیبه‌هایی به خط ثلث و نسخ زینت بخش قسمت‌های مختلف مناره و نیز دیوار متصل به آن است. در هر یک از طبقات مدرسه تعدادی اتاقک احتمالاً برای سکونت دانشجویان و اساتید وجود دارد. در اتاق‌هایی که در این طبقات برای اساتید بنا گردیده برای اولین بار در تاریخ معماری دکن مقرنس به کار رفته است. مدرسه دارای قسمت‌هایی دیگر از قبیل مسجد، کتابخانه و سالن سخنرانی بوده است که در دوره اورنگزیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق) بر اثر انفجار انبار باروت ویران گردید (Briggs, 1981, 2/314; not.no.148). به طور کلی این مدرسه را باید بنایی ایرانی دانست که با همه ویژگی‌ها و مشخصات معماری ایرانی در دکن بنا گردید. شاید عدم توجه بانی مدرسه و معماران آن به معماری بومی و نیز عدم توجه آنان به نامناسب بودن بنای ایوان دار برای آب و هوای دکن باعث گردید که مشابه این مدرسه در معماری دکن ساخته نشود. به هر حال این مدرسه نشان دهنده اوج تأثیر معماری ایرانی در دکن و نیز سهم فزاینده ایرانیان در تاریخ سیاسی-فرهنگی و اجتماعی این منطقه است (Schotten, 1981, 34,115; Sherwani, 1985, 203-204).

نتیجه گیری

ساخته شده و عناصر مختلف هنر و معماری ایرانی در همه جای این بناها به خوبی آشکار است. ایجاد بناها به ویژه مقابر پادشاهان و بزرگان به شیوه چهار طاقی، بنای مدرسه ایی بزرگ در شهر بیدر به دست معماران ایرانی و به شکل چهار ایوانه به تقلید از مدارس رایج در ایران، استفاده از قوس های شکسته و جناقی در کنار قوس های نعل اسبی در طاق های مساجد و مقابر، استفاده از کاشی های منقوش برای تزیین بناها و استفاده از خطوط زیبای نسخ، ثلث، کوفی و طغرا به زبان فارسی بر روی کاشی هایی که با طرح های هندسی و گل و بته تزیین گردیده اند، همگی نشان دهنده تأثیر هنر و معماری ایرانی در این منطقه است.

شکل گیری حکومت بهمنیان در جنوب هند باعث نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی به این منطقه گردید. بهمنیان خود را از اعقاب پادشاهان باستانی ایران می دانستند و به همین دلیل به حمایت بی دریغ از ایرانیان همت گماردند. در دوره نزدیک به دو قرن حکومت آنان در دکن انبوهی از معماران و هنرمندان دانشمندان ایرانی به دکن مهاجرت کرده و از جانب پادشاهان این خاندان به شدت مورد حمایت قرار گرفتند. این امر باعث تأثیر هر چه بیشتر فرهنگ و تمدن ایرانی به ویژه در زمینه هنر و معماری در دکن گردید. بناهای به جای مانده از این دوره در دو پایتخت بهمنیان یعنی گلبرگه و بیدر و نیز سایر شهرها و روستاهای دکن اغلب به دست معماران و استادکاران ایرانی

فهرست منابع:

رازی، احمد امین (۱۹۹۵)، "هفت اقلیم"، تصحیح جواد فاضل، بی جا.
 عصامی، عبدالملک (۱۹۴۸)، "فتوح السلاطین"، چاپ اوشا، مدرس، دانشگاه مدرس.
 گاوآن، محمود (۱۹۴۸)، "ریاض الانشاء"، باهتمام غلام یزدانی، حیدرآباد دکن.
 هروی، نظام الدین احمد (۱۹۱۱)، "طبقات اکبری"، تصحیح محمد هدایت حسین، کلکته.

- Briggs, John (1981), "History of the rise of the Mohamedan power in India", Delhi.
 Brown, P. (1968), "Indian architecture: Islamic priod", Bombay.
 Devare, T.D (1961), "A short history of Persian litrature (At the Bahmani, The Adeshahi and The Qobshahi courts Deccan", Poona.
 Haig, S. Wolsely (1958), "The kingdom of the Deccan A.D. 1347-1436", The Cambridge history of India, London, Vol. 3.
 Hollister, John Norman (1979), "The Shi'a of India", Delhi.
 Schotten, M. Elizabet (1981), "Indian - islamic architecture, The Deccan 1347- 1686", Delhi.
 Sherwani, H.K. (1985), "The Bahmanis of the Deccan", Delhi.
 Yazdani, G. (1928), "The great mosque of Gulbarga", Islamic culture, Vol. 2.